مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان/دوره هجدهم/پاییز ۱۳۹۲/۷۷-۷۱

بررسی وضعیت سبک‌های تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در دروس تئوری در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

حبیب الله حسن زاده[۱] ،مژده بهرام رضایی[۲] ، آرش پولادی[۳] ،عبدالله حسن زاده[۴]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، مسئول مرکز آموزش علمی کاربردی فنی و حرفه ای سنندج، سنندج، ایران

۲. پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۳. پزشک عمومی و کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد نانو تکنولوژی پزشکی، بیمارستان توحید، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) تلفن ثابت:۷۲۷۲۲۴۴-۰۸۷۱،
hassanzdeh_n2012@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: استفاده از سبک های تدریس گوناگون با نظارت بر نیازهای متنوع یادگیرندگان و همچنین استفاده از تنوع در روش‌ها و سبک‌های تدریس در طی فرآیند یاددهی-یادگیری می تواند علاوه بر افزایش میزان و عمق یادگیری، مشوق یادگیری طولانی مدت در تمام طول زندگی یادگیرندگان نیز باشد. هدف از انجام این پژوهش تعیین سبک های آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی در دروس تئوری می باشد تا بتوان مبنایی اطلاعاتی را برای بهره‌گیری از روش‌های متنوع تدریس، توسعه سبکهای موثرتر ترکیبی و نیز بررسی تطابق با سبک یادگیرندگان در آینده فراهم ساخت.

روش بررسی: روش تحقیق توصیفی- تحلیلی با رویکرد پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمامی اساتید عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان می باشند (۱۳۵ نفر) که از میان آنها تعداد ۱۲۴ نفر به پرسشنامه ها پاسخ دادند و وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه سبک تدریس گراشا و ریچمن می باشد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با بهره گیری از آزمونهای آماری چون ANOVA و مجذور کای تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته های مطالعه بیانگر غالب بودن سبک تدریس تعاملی با (۶۰/۵٪) و سپس اقتدارگرا با (۳۳/۹٪) و کمترین سبکهای مورد استفاده نیز شامل سبک تدریس تسهیل گر با (۰/۸٪) و نیز سبک تدریس مدلهای شخصی با (۱/۶٪) می باشد (سبک تدریس تخصصی نیز در ۳/۲٪ از افراد مورد مطالعه مشاهده گردید).آزمونهای آماری صورت گرفته بر روی داده های این مطالعه، بیانگر عدم وجود رابطه معنی دار ما بین سن، سابقه تدریس، جنس، دانشکده محل تحصیل، سطح تحصیلات ، رتبه علمی و سبک تدریس اساتید می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از انجام این پژوهش می توان گفت که؛ سبک های تدریس، ارتباطی با ویژگی های جمعیت شناختی افراد نداشته و به نظر می‌رسد که عوامل دیگری مانند وضعیت روانشناختی افراد و الگوهای تدریس و عواملی از این قبیل، که لازم است در مطالعات تکمیلی دیگر مورد بررسی قرار گیرند، دخیل باشند.

کلید واژه ها : سبک تدریس، هیئت علمی، علوم پزشکی، دروس تئوری، کردستان

وصول مقاله :۹۱/۴/۳۱ اصلاحیه نهایی:۹۱/۹/۱ پذیرش:۹۲/۳/۱۸

مقدمه

تدریس به عنوان یکی از ارکان اصلی فرآیند آموزشی تلقی می‌گردد که درکارایی نظام آموزشی نقش موثر ایفا می‌کند و در این میان اگر اساتید با اصول و مبانی و هدف‌های تدریس، ویژگی‌های دانشجویان و نیازهای آنان آشنا نباشند، هرگز نمی‌توانند به عنوان مربیان و مسئولین تعلیم دانشجویان

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]

در جامعه، بخوبی ایفای نقش کنند. اثربخشی هر تدریسی نیازمند انعطاف پذیری، انرژی و تعهد حرفه‌ای اساتید می‌باشد و تدریس موفقیت آمیز نیازمند آن است که اساتید قادر باشند بر نیازها و فهم یادگیرندگان در طول فرآیند یادگیری نظارت داشته و بر مبنای آن اقدام نمایند (۱). استفاده از سبک‌های تدریس (styles Teaching) گوناگون با نظارت بر نیازهای متنوع یادگیرندگان و همچنین استفاده از تنوع در روش‌ها و سبک‌های تدریس در طی فرآیند یاددهی– یادگیری می تواند بسیار مشوق یادگیری طولانی مدت در تمام طول زندگی (Lifelong Learning) گردد (۲). اساتید سبک‌های تدریس گوناگونی دارند به نحوی که در هر موقعیت بر اساس شرایط خاص ممکن است آن را بکار گیرند. در زمینه سبک‌های تدریس مدل‌های زیادی قابل مشاهده هستند؛ برای مثال بی بک (۱۹۸۱) در یک پیوستار، سبک تدریس را در چهار مورد سبک توافقی، پیشنهادی، مشارکتی و تسهیلاتی معرفی می کند (۳). در حالیکه در جای دیگر، ۵ زمینه را برای سبک تدریس عنوان می‌کنند و آنها این ۵ سبک را شامل تخصصی، اقتدار رسمی، مدل‌های شخصی، تسهیل گری و نمایندگی (تعاملی) می دانند (۴). با توجه به آنچه گفته شد این سبک‌ها مجموعه‌ای ویژه از نقش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و روش‌های ترجیحی تدریس هستند. قبول سبک تدریس مخصوص، نیازمند توجه زیادی است که در این میان می‌توان مواردی همچون سبک یادگیری یادگیرنده، استعداد یادگیرنده، قدرت برقراری ارتباط و تعامل بین فردی و موقعیت را نام برد (۱).

اکثر تحقیقات نشان داده‌اند که بیشترین موفقیت تحصیلی زمانی به دست می آید که سبک تدریس مدرسان، سبک‌های یادگیری دانشجویان را نیز مورد توجه قرار دهد. به عبارتی، هر چه سبک تدریس مدرس با سبک یادگیری دانشجو مطابقت بیشتری داشته باشد معدل دانشجو و نمره او بالاتر خواهد بود (۵). در پژوهشی توسط پاین (۲۰۰۰) که با استفاده از تئوری یادگیری کلب به تاثیر مطابقت میان سبک تدریس و یادگیری دانشجویان پرداخته شد به این نتیجه دست یافت که دانشجویانی که سبک یادگیری آنها با سبک تدریس مدرس مطابقت دارد در مقایسه با دانشجویانی که این مطابقت در بین آنها و اساتیدشان نبود نمرات بالاتری را کسب کردند (۶). لانگ (۱۹۹۳) در بررسی سبک‌های تدریس/یادگیری در میان دانشجویان و مدرسان رشته پرستاری به این نتیجه رسید که زمانی که سبک‌های یادگیری دانشجویان با سبک‌های تدریس اساتید مطابقت پیدا می کند میزان موفقیت در آزمون درس بیشتر و میزان حذف درس کمتر از زمانی است که چنین مطابقتی وجود ندارد. به علاوه دانشجویانی که سبک یادگیری متناسب با سبک تدریس مدرسان را دارند دیدگاه و نگرش مثبت تری نسبت به درس و مدرس مربوطه پیدا می کنند و این دانشجویان در نمرات پایان ترم بالاترین نمرات را کسب می‌نمایند (۷).

سازگار نمودن سبک‌های تدریس و یادگیری با هم ابزار مهمی را در اختیار اساتید قرار می دهد تا آنها بتوانند با استفاده از تنوع شرایط در تدریس، یادگیری متنوع تری را برای دانشجویان خود فراهم آورند. در حرفه های پزشکی تدریس اثر بخش نیازمند تعادل، انرژی و تعهد است و اساتید این حوزه می بایست جهت رفع نیازهای دانشجویان این حرفه ها یک سبک تدریس – یادگیری مطلوب را در محیطی مناسب بکار برده تا دانشجویان با بهره‌گیری از تدریس متنوعی که توسط اساتید ارائه می گردد اقدام به یادگیری مطلوب نمایند (۱). در همین راستا نیز گراشا (۱۹۹۸) معتقد است که استفاده از تنوع در تدریس و سبک‌های آن دانشجویان را تشویق می کند تا استعداد و یادگیری خود را در فرآیند تدریس – یادگیری بهتر بکار گیرند و این امر لازمه آن است تا اساتید سبک غالب خود را شناخته و با استفاده از عناصر غالب آن سبک یادگیری دانشجویان را با آن همگام سازند (۸). سازگاری با همه سبک‌های تدریس یک ابزار مهم است که اساتید با توجه به شرایط تدریس و موقعیت یادگیرندگان باید آن را بکار

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]

گیرند و بر همین اساس این پژوهش با هدف تعیین سبک‌های آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی در دروس تئوری صورت گرفته تا بتوان مبنایی اطلاعاتی را برای بهره‌گیری از روش‌های متنوع تدریس، توسعه سبک‌های موثرتر ترکیبی و نیز بررسی تطابق با سبک یادگیرندگان در آینده باشد.

روش بررسی

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی با رویکرد پیمایشی با استفاده از پرسشنامه استاندارد می باشد. جامعه آماری این پژوهش تمامی اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان (مربی ، استادیار و دانشیار) که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دانشگاه علوم پزشکی کردستان مشغول به تدریس دروس تئوری هستند می باشند که با توجه به تعداد کم آنها (۱۳۵ نفر) تمامی آن ها به عنوان نمونه انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه استاندارد سبکهای تدریس(Teaching Style Inventory- TSI) گراشا و ریچمن اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گشت. پرسشنامه سبک تدریس گراشا و ریچمن ابزاری کیفی است که شامل ۴۰ سوال می باشد و در راستای توسعه سبک های تدریس اعضای هیئت علمی تدوین شده است. پرسشنامه مذکور یک ابزار خودگزارش دهی حاوی ۵ سبک تدریس متفاوت است که هر زیر مجموعه حاوی ۸ آیتم است . آیتم‌ها هر یک بر روی یک مقیاس ۷ درجه ای با شاخص‌هایی از درجه موافقت تا مخالفت پاسخ دهندگان ساخته شده است (۹) (جدول ۱).

جدول ۱: نحوه پراکندگی سوالات در ابزار گردآوری اطلاعات مربوط به ارزیابی سبک های مختلف تدریس

ردیف	سبک تدریس	سوالات	ردیف	سبک تدریس	سوالات
۱	سبک تخصصی	۱-۶-۱۱-۱۶-۲۱-۲۶-۳۱-۳۶	۴	سبک مدل شخصی	۳-۸-۱۳-۱۸-۲۳-۲۸-۳۳-۳۸
۲	سبک اقتدار رسمی	۲-۷-۱۲-۱۷-۲۲-۲۷-۳۲-۳۷	۵	سبک تسهیل گری	۴-۹-۱۴-۱۹-۲۴-۲۹-۳۴-۳۹
۳	سبک تعاملی	۵-۱۰-۱۵-۲۰-۲۵-۳۰-۳۵-۴۰			

روش نمره دهی در این پرسشنامه با استفاده از جمع میزان فراوانی عدد جهت تعیین سبک غالب در بین اساتید می باشد. در خصوص پرسشنامه استاندارد، در پژوهشی گراشا در سال ۲۰۰۲. پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ (بطور مجزا برای هر یک از سبک ها ی تدریس) محاسبه نموده که در این مطالعه نیز آلفای کرونباخ با توجه به اجرای پرسشنامه‌ها در بین گروه نمونه (۳۰ نفر به عنوان پایلوت)، جهت سنجش پایایی ابزار پژوهش پیش از گرد آوری داده های مطالعه، به شرح جدول ۲، بدست آمد.

جدول ۲: میزان پایایی پرسشنامه سبک تدریس مورد استفاده در مطالعه

ردیف	سبک تدریس	میزان پایایی (گراشا،۲۰۰۲)	میزان پایایی (مطالعه حاضر)
۱	سبک تخصصی	۰/۷۸	۰/۷۲
۲	سبک امرانه	۰/۸۲	۰/۸۰
۳	سبک مدل شخصی	۰/۷۴	۰/۷۸
۴	تسهیل گری	۰/۸۰	۰/۸۵
۵	نمایندگی	۰/۷۲	۰/۸۱

Source: Grasha, 1996

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]

بعد از گردآوری پرسشنامه های تحقیق، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 16 مورد تحلیل قرار گرفت و در بخش توصیفی با استفاده از فراوانی، درصد و انحراف معیار و در بخش استنباطی با استفاده از آزمون های آماری تحلیل واریانس (ANOVA) و آزمون مجذور کای، داده ها مورد تحلیل قرارگرفتند. در مورد استفاده از آزمون پارامتریک همچون ANOVA که در ارتباط با بررسی ارتباط میان متغیر کمی «سن» با توزیع نسبی نرمال (ارزیابی شده با آزمون Kolmograph-Smirnov با P-value برابر با ۰/۱۰۹ و درجه آزادی یا df =۱۲۴)، با متغیر وابسته کیفی-اسمی چند حالته «سبک تدریس» و همچنین در مورد متغیر کمی «سابقه تدریس» با توزیع نسبی نرمال (ارزیابی شده با آزمون Kolmograph-Smirnov با P-value برابر با ۰/۰۸ و درجه آزادی یا df =۱۲۴) با متغیر «سبک تدریس» صورت گرفته است باید گفت که برای بهره گیری از این آزمون، علاوه بر شرط توزیع نرمال و مقیاس کمی فاصله ای یا نسبتی متغیر مورد بررسی، مستقل بودن نمونه‌ای مورد مشاهده نیز وجود داشته است به این معنی که انتخاب یک مورد به انتخاب هیچ مورد دیگر وابسته نبوده است.

یافته ها

میانگین سنی اساتید شرکت کننده در مطالعه، ۶/۱۷±۴۲/۷ سال بوده (با حداقل سنی ۲۷ سال و حداکثر ۵۸ سال) و میانگین کلی سابقه تدریس عبارت از ۵/۱۱ ± ۸/۹ سال (از ۱ تا ۲۵ سال) بود. سایر داده های مربوط به وضعیت دموگرافیک کلی افراد شرکت کننده در مطالعه به شرح جدول ۳ می باشد.

در خصوص استفاده از سبک‌های تدریس توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان باید اذعان داشت که بیشترین سبک مورد استفاده توسط آنان، سبک تدریس تعاملی ۶۰/۵٪ می باشد و این در حالی است که کمترین سبک مورد استفاده هم سبک تدریس تسهیل گر است (جدول ۴). یافته های پژوهش نشان می دهد که میانگین نمره کلی اساتید در استفاده از سبک تدریس تخصصی ۱۳/۴۱ با انحراف معیار ۲/۹۶ (نمره حداقل ۸ تا حداکثر نمره۲۱) می باشد این میزان در مورد سبک تدریس اقتدارگرا ۳/۴۲±۱۵/۹۴ می باشد (از حداقل ۱۰ تا حداکثر نمره ۲۴). در مورد سبک تدریس مدلهای شخصی میانگین نمره ۳/۷۴ ±۱۵/۳۹ بوده (از حداقل ۹ تا حداکثر ۲۶ نمره) و در سبک تدریس تسهیل گری میانگین نمرات ۳/۱۹±۱۳/۸۲ می باشد (نمره حداقل ۸ تا حداکثر ۲۲ نمره) در نهایت نیز میانگین استفاده اساتید از سبک تدریس تعاملی ۴/۱۲± ۱۷/۹۹ است (حداقل ۸ تا حداکثر ۲۹ نمره)، (جدول ۵).

همچنین یافته ها بیانگر عدم وجود اختلاف آماری میان سبک تدریس و ویژگیهای مختلف دموگرافیک (شامل؛ سن، سابقه تدریس، جنس، دانشکده محل تحصیل، سطح تحصیلات، رتبه علمی و سبک تدریس اساتید) در افراد مورد مطالعه می باشد.

جدول ۳: وضعیت دموگرافیک اساتید شرکت کننده در مطالعه بررسی سبکهای تدریس

	جنسیت		سابقه تدریس			گروه سنی			مرتبه علمی			دانشکده			مدرک تحصیلی			
	مرد	زن	۹ و کمتر از ۹ سال	۱۰ تا ۱۴ سال	بالای ۱۵ سال	۳۵ و کمتر از ۳۵ سال	۳۶ تا ۴۵ سال	بالای ۴۶ سال	مربی	استادیار	دانشیار	پزشکی	پرستاری و مامایی	بهداشت	کارشناسی ارشد	دکتری حرفه ای	PhD	متخصص
فراوانی	۷۶	۴۸	۷۰	۳۷	۱۷	۱۹	۶۳	۴۲	۵۸	۶۳	۳	۸۸	۲۹	۷	۵۸	۵	۲۳	۳۸
درصد	۶۱/۳	۳۸/۷	۵۶/۵	۲۹/۸	۱۳/۷	۱۵/۳	۵۰/۸	۳۳/۹	۴۶/۷۷	۵۰/۸۰	۲/۴۳	۷۱	۲۳/۴	۵/۶	۴۶/۸	۴	۱۸/۵	۳۰/۶

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]

جدول ۴: وضعیت توزیع سبکهای تدریس غالب اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان در دروس تئوری

سبک تدریس غالب	تخصصی	اقتدار گرا	شخصی	تسهیل گر	تعاملی	جمع
فراوانی	۴	۴۲	۲	۱	۷۵	۱۲۴
درصد نسبی	۳/۲	۳۳/۹	۱/۶	۰/۸	۶۰/۵	۱۰۰

جدول شماره ۵ – میانگین و انحراف معیار متغیر های کمی مطالعه

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	مینی مم	ماگزیمم
سن	۴۲/۷	۶/۱۷	۲۷	۵۸
سابقه تدریس	۸/۹	۵/۱۱	۱	۲۵
سبک تدریس تخصصی	۱۳/۴۱	۲/۹۶	۸	۲۱
سبک تدریس اقتدار گرا	۱۵/۹۴	۳/۴۲	۱۰	۲۴
سبک تدریس شخصی	۱۵/۳۹	۳/۷۴	۹	۲۶
سبک تدریس تسهیل گر	۱۳/۸۲	۳/۱۹	۸	۲۲
سبک تدریس تعاملی	۱۷/۹۹	۴/۱۲	۸	۲۹

مابین سبک تدریس و خصوصیات دموگرافیک اعضای هیات علمی شرکت کننده در مطالعه (سن، سابقه تدریس، جنس، دانشکده محل تدریس، سطح تحصیلات و رتبه علمی استاد) رابطه معنی داری یافت نشد.

بحث

در خصوص درصد نسبی بدست آمده در این مطالعه در ارتباط با استفاده اساتید از سبک های تدریس، می توان گفت که سبک غالب اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان سبک تعاملی می باشد که این یافته ها با نتایجی که رازقی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) در خصوص سبک غالب اساتید دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان انجام دادند همخوانی ندارد، زیرا در پژوهش مذکور یافته ها نشان داد که سبک غالب اساتید دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان سبک تخصصی (خبره) می باشد (۱۰). همچنین کریمی نیز معتقد است که سبک تدریس اساتید بیشتر استاد مدار است که این امر نیز همخوان با سبک تدریس خبره می باشد (۱۱). گراشا (۱۹۹۶) در خصوص سبک غالب تدریس اساتید معتقد است که غالب ترین سبک تدریس اساتید سبک تخصصی است (۲) و اسمیت و همکاران (۲۰۰۹) نیز معتقد هستند که سبک تدریس مبتنی بر دانش سبک تدریس غالب اساتید می باشد (۱۲). در پژوهشی دیگر که توسط برادنی و میلر (۲۰۰۶) انجام شد بیشترین سبک مورد استفاده اساتید را سبک تسهیل گری دانسته اند (۱۳). تفاوت نتایج بدست آمده را ممکن است بتوان به مواردی همچون مداخلات سال‌های اخیر دانشگاه در زمینه آموزش اساتید و آشنایی و حساسیت بیشتر اساتید در زمینه تدریس نسبت داد.

نتایج داده‌ها در خصوص ارتباط بین برخی عوامل دموگرافیک و سبک های تدریس نشان می دهد که ارتباط معنی داری بین این عوامل و سبک‌های تدریس وجود ندارد و بر اساس نتایج این مطالعه نمی‌توان گفت که سبک تدریس می تواند تحت تاثیر عواملی چون سن، جنسیت، سابقه تدریس، محیط دانشکده محل تدریس، سطح تحصیلات و یا رتبه علمی اساتید باشد. هرچند که مطالعات مختلف با این نتایج تا حدودی مغایرت دارد. بطوریکه مثلا برادنی و میلر معتقد هستند که بین جنس و سابقه تدریس با سبک تدریس رابطه معنی داری وجود دارد و سابقه بر روی سبک تدریس تاثیر گذار است (۱۳) و تفاوت بین جنسیت و سبک تدریس در پژوهش‌های دیگر نیز به اثبات رسیده است (۱۶-۱۴). یا در پژوهش رازقی نژاد و همکاران نیز

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]

یافته ها نشان داد که بین سبک تدریس با جنسیت و دانشکده محل تحصیل تفاوت معنی داری وجود دارد ولی رابطه میان سطح تحصیلات و سبک تدریس اساتید را مورد تائید قرار ندادند (که بخش اخیر از نتایج آنان با مطالعه حاضر همخوانی دارد) (۱۰). و ایگلز و جانسون (۱۹۹۱) در پژوهش خود یافتندکه بین جنسیت و سبک تدریس تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین گراشا در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین سبک تدریس و محل تحصیل و سطح تحصیلات تفاوت معنی داری وجود دارد (۲). که این امر می تواند به دلیل محیط آموزشی و سایر فاکتورهایی باشد که در محل تحصیل وجود دارد. در ضمن باید اشاره داشت که در خصوص رابطه بین رتبه علمی و سبک تدریس اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان، نتایج نشان می دهد که رابطه معنی داری وجود ندارد که با یافته‌های رازقی نژاد و همکاران همخوان می باشد.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش حاکی از غالب بودن سبک های تعاملی و سپس اقتدارگرا در میان اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان می باشد که به نوعی می توان نتیجه گرفت که اساتید احتمالا بر اساس اعتقادات، ذهنیتهای خاص و یا بر اساس الگوهای ذهنی خود (یا فرآیندهای ریشه دار و پیچیده دیگر) و فارغ از متغیر های دموگرافیک معمول مورد بررسی ما همچون سن، سابقه تدریس، جنس، دانشکده محل تحصیل، سطح تحصیلات، رتبه علمی و سبک تدریس اساتید، منش معلمی و یا سبک های تدریس خود را بروز می دهند. این دو سبک غالب در میان این اساتید از لحاظ انعطاف پذیری در اسلوب و رفتار تدریس را میتوان در دو سر یک طیف تصور کرد که یکی قابلیت انطباق بیشتری با دانشجو دارد (تعاملی) و دیگری غیر انعطافی است (اقتدارگرا). این موضوع لزوم تمرکز آموزشهای روش تدریس و طراحی آموزشی را برای اساتید دانشگاه نمایان می سازد.

تشکر و قدردانی

با تشکر از معاونت پژوهشی و مدیریت مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان که پشتیبانی از این مطالعه را بر عهده گرفتند و همچنین از تمامی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان که در جمع آوری داده ها ما را یاری نمودند کمال تشکر و سپاس را داریم.

Reference

1. Lisa V, Raymond B. Teaching in the medical setting: balancing teaching style, learning styles and teaching methods. Journal of Medical Teacher 2001; 23:610-612.
2. Grasha AF. Teaching with style: a practical guide to enhancing learning by understanding learning and teaching style . New York :alliance publishers, 1996.
3.Bibace , R. Teaching style in the faculty – resident relationship .Journal of Family Practice 1981; 13, 895-900.
4. Montauk S , Grasha A. Adult HIV outpatient care : A handbook for clinical teaching , Cincinnati , OH, university of Cincinnati department of family medicine, 1993.
5. Dunn R, Griggs SA., Olson J, Beasley M , Gorman B S . A meta – analytic validation of the Dunn and Dunn model of learning style performance. Journal of Educational Research 1995; 88 :353-362.
6. Payne BE . Teaching styles of faculty and learning styles of their students: congruent versus incongruent teaching style with regards to academic disciplines and gender. Unpublished doctoral dissertation, Kent state university, 2000.
7. Lange CM . A study of the effects on learning of matching the cognitive styles at work . Educational Leadership 1993.
8. Grasha AF. Learning styles: The journey from Greenwich observatory(1796)to the college classroom (1983). Improving College and University Teaching 1998; 32: 46-53.
9. Grasha AF,Yangarber-hicks N. Integrating teaching styles and learning styles with instructional technology. College Teaching 2000; 48: 2-10.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]

10. Razeghinejad M, Bakhshi H, Mashayekhi N. A survey on teaching style of academic members in Rafsanjan University of medical sciences,Journal of Medical Sience Hormozgan 2010; 4: 198-205. [In Persian]
11. Karimi H. Investigation of academic members of Yazd medical university. Abstract book of 6th Medical Education Congress, Tehran. Medical University.2003Dec: Tehran, Iran. [In Persian]
12. Smeets Ed, Gennip Hans van; Rens Carolien. Teaching styles of teacher educators and their use of ICT. Inonu University Journal of the Faculty of Education 2009, 10:171-186.
13. Bradni M, Miller BA. The impact of individual teaching styles on student academic achievement, A thesis presented in partial fulfillment of the requirements for the degree master of education in the graduate school of marietta college, 2006.
14. Grasha AF. A matter of style: The teacher as expert, formal authority, personal model, facilitator, and delegator. College Teaching 1994; 42:68-92.
15. Kuh G D, Nelson Laird TF & Umbach PD. Aligning faculty and student behavior: Realizing the promise of greater expectations. Liberal Education 2004;90:124-129.
16. Thomas F, Nelson Laird, Amy K Garver, Amanda Suniti Niskod. Gender gaps: understanding teaching style differences between men and women, paper presented at the Annual Meeting of the Association for Institutional Research, 2007.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-10-06]